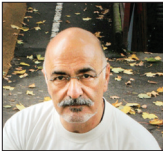




سروش را گذاشت روی فلز سرد



فرهیختگان | محمود حسینی‌زاد را به خوبی می‌شناسیم؛ نویسنده و مترجمی که در جوانی هایش شاعر بوده است. شاید کمتر هنرمندی را در ادبیات معاصرمان می‌توانیم مانند محمود حسینی‌زاد بباییم که در پروسه خلق آثارش نگاهی بین‌المللی به اندیشه داشته باشد؛ برنده نشان «گوته» در سال ۲۰۱۳ میلادی که آخرین اثرش مجموعه داستان «آسمان کبک ابر» بود که انتشارات زاوش آن را روانه بازار کتاب کرد. امروز در این ستون سرانغ این نویسنده و مترجم نام‌آشنا رفته‌ایم تا ببینیم او در چه حال و احوالی است. محمود حسینی‌زاد در حالی با ما گپ زد که در آستانه سفر به کشور آلمان بود. او درباره این سفر به ما گفت: «در حال حاضر آماده سفر به کشور آلمان هستم. این سفر به دعوت موسسه «تبادلات دانشگاهی آلمان در برلین» انجام‌شده است و برای آشنایی بیشتر با فرهنگ آلمان این دعوت از من صورت گرفته است که حدود دو ماه به طول خواهد انجامید.» محمود حسینی‌زاد که با هنرمندان آلمانی تبادلات و آشنایی نزدیکی دارد در این سفر قصد دارد برای فرهنگ ایران و نزدیکی هر چه بیشتر آن با فرهنگ و تبادلات فرهنگی هنرمندان ایرانی و آلمانی تدابیری را اتخاذ کند. او در آستانه این سفر درباره وضعیت آخرین آثارش به فرهیختگان گفت: «مجموعه داستانی را آماده چاپ دارم که به تازگی مجوز انتشار آن توسط نشر چشمه کسب شده است که امیدوارم برای یکی دو ماه آینده روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار بگیرد. نام این مجموعه داستان «سرش را گذاشت روی فلز سرد» است که ویراستاری نهایی آن به تازگی پایان گرفته است. این کتاب در دو بخش تنظیم شده که هر بخش آن شامل ۱۰ داستان است که به‌زودی در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.» محمود حسینی‌زاد درباره ترجمه‌هایش به ما گفت: «ترجمه آخرین رمان یو‌دی‌ک هر مان هم با نام «اول عاشقی» به پایان رسیده است که آن را به ناشر جهت اخذ مجوز سپرده‌ام.»

فیلم برای چند نفر



حمید ابراهیمی

مستندساز

سال‌ها پیش و یلا کاتر نویسنده سرشناس آمریکایی که به‌خاطر نوشتن رمان‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته بود در پاسخ به این سوال که یک رمان یا داستان خوب واجد کدام شرایط است، گفت: «در این مورد می‌توان بنا به سلیقه یا تجربه اظهار نظر کرد ولی قبل هر موردی می‌خواهم بگویم داستان یا رمان خوب، اثری است که وقتی بخوانیش با خودمان بگویم هر تعداد داستانی که به‌خاطر این اثر خلق نشد و کنار ماند، بجا و درست بود.» و یلا کاتر به زبان ساده گفت که اثر خوب، وقتی ارزش دارد که دیده شود، یا خوانده شود و این فرصت در اختیار مخاطب قرار گیرد که درباره‌اش قضاوت کند، ولو قضاوت غلط. نیز باید این را هم اضافه کنیم که دیده‌شدن در قاموس آدم‌هایی مثل و یلا کاتر، فراتر از یک جمع خودمانی بود که اگر چنین بود امروز اقتصاددان‌های بزرگ، آثارش را از منظر جریان‌های اقتصادی بررسی نمی‌کردند، چون وی معتقد بود اثر باید مرزهای دیده‌شدن را درنوردد و از هر حوزه‌ای کسی باشد که درباره‌اش حرف بزند. امثال وی کم نیستند که معتقدند دیده‌شدن باید اصل و مبنای هر کاری قلمداد شود و کسی که این اصل اقتصادی را نادیده بگیرد در درازمدت محکوم به شکست است. منظور نویسنده از این مقدمه اشاره به مستی است که مدت‌هاست به هنجاری تانوشته تبدیل شده که اتفاقاً ناهنجاری‌ای بیش نیست؛ منظور به صورت اخص، رویه موسسات و مراکزی هستند که آثارشان را گویی برای اکران در یک جمع خصوصی می‌سازند و فلان جشنواره خارجی و داخلی و دیگر هیچ. جالب اینجاست اگر کارخانه‌ای دولتی با هزینه بیت‌المال محصولی را تولید کند، آن محصول را در انبار چند سال نگه دارد تا تاریخ مصرف آن به اتمام برسد یا محصولات جدیدی به بازار بیاید که کسی حاضر به خرید آن نباشد، حتماً مدیران کارخانه مواخذه می‌شوند و باید جوابگوی عمل‌شان باشند. اما سال‌هاست که مثلاً در مرکز گسترش سینمای تجربی و همچنین حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و انجمن سینمای جوان و...، فیلم‌های مستندی تولید می‌شوند که خوشبختانه می‌توان گفت ۱۵۰ نفر در یک جشنواره آن را می‌بینند و بعد از آن در آرشیو این مراکز نگهداری می‌شوند؛ گویی محصولات فرهنگی که میلیاردها تومان از بودجه بیت‌المال صرف آن شده برای ۱۵۰ نفر تولید می‌شوند و قرار نیست تأثیر فرهنگی هم داشته باشند. حتماً کسانی که در این سال‌ها فیلم‌های مستند تولید شده در ایران را رصد کرده‌اند، تصدیق می‌کنند که بخش عمده این آثار بعد از گذشت چند سال تازگی و تأثیرگذاری خود را از دست می‌دهند. ظاهراً این مراکز فقط فیلم مستند تولید می‌کنند تا در آخر سال آمار کاری خود را منتشر کنند یا جشنواره‌ای پربار داشته باشند.

سرانجام فیلم ناتمام کارگردان افسانه‌ای

خلاف جهت باد اکران می‌شود



فرهیختگان: کیهانی فیلمساز ایرانی-فرانسوی (L' Astrophore) دست به کار شده است تا پس از دگریری‌های حقوقی بین پاتریس ولز، دختر اورسن ولز و اوجا کودار همکار سابق این کارگردان، آخرین فیلم اورسن‌ولز را تکمیل کند و در ماه می سال ۲۰۱۵ هم‌زمان با صدمین سالگرد تولد این کارگردان افسانه‌ای تاریخ سینما فیلم «خلاف جهت باد» را اکران کند. ولز ۱۵ سال آخر زندگی‌اش را سرگرم ساختن این فیلم بود که ۴۵ دقیقه فیلم تدوین‌شده از آن باقی مانده بود و روایتگر داستان کارگردانی است که می‌خواهد شامکار سینمایی خود را به پایان برساند که در این میان با سیستم‌هایلود دچار درگیری و مشکل می‌شود. در این فیلم جان هیوستون، سوزان استراسبرگ، لیلی پالم، دین هابر و پیتربودگانوینچ نقش‌آفرینی کرده‌اند. ولز شهرتش را در ۲۵ سالگی با فیلم «همشهری کین» به دست آورد و در سال ۱۹۴۱ تا به امروز با این فیلم در صدر نظرسنجی‌های بهترین کارگردان سینمای جهان قرار گرفته است.

بهمن فرمان آرا کور تون می خورد تا مثل بادکنک باد کند

فرهیختگان: از کتجکاو‌های یک خبرنگار تاتار که سر تمرین «مردی برای تمام فصول» می‌رود این است که بفهمد خود فرمان آرا چه نقشی را بازی می‌کند. فرمان آرا در پاسخ به همین کتجکاو خبرنگار ایستاست که می‌گوید: «۱۴ ماه است که کور تون می‌خورم و مثل بادکنک باد کرده‌ام. البته قلیش هم همیشه لاغر نبودم. در اینجای نیز مشابه همان اتفاقی افتاد که قبل‌تر در فیلم «بوی کافور، عطر یاس» با آن رویه‌رو شدم. زمانی که داشتم نقش‌های مختلف را بررسی می‌کردم، فکر کردم من هم می‌توانم در صحنه کوتاه کاردینال و سرتاسم‌مور بازی کنم. البته جسارت است با این همه بازیگران حرفه‌ای تاتار، یک نفر برای اولین‌بار با نقشی نسبتاً مهم در نمایشی بزرگ روی صحنه برود. به هر حال گفتم ۷۳ سالم است.»

اجرای نمایش «ناگهان هذا حبیب‌الله...» لغو شد

تیغ افراط بر گردن هنر



گروه ادب وهنر | فشار برخی جریان‌های افراطی کار را به جایی می‌رساند که برنامه نمایشنامه‌خوانی «ناگهان هذا حبیب‌الله...» در شب اجرا لغو می‌شود. نمایشنامه‌ای که عباس نعلبندیان آن را به امام حسین (ع) تقدیم کرده است. نمایشنامه در سال‌های گذشته یک بار در تریای تاتار شهر توسط محمد میرعلی اکبری

نمایشنامه‌خوانی شد و یک بار هم در جشنواره تاتار دانشگاهی به صحنه رفته است. این‌بار رضا دادویی تصمیم می‌گیرد تا در روزهای دهه اول محرم آن را با حضور حسین پاکدل، علی سمرایی، پرپسا مقتدی، هوشنگ هیهانود، ژاله صامتی و... نمایشنامه‌خوانی کند.

هم که گروه خودش را برای اجرا آماده می‌کند خبر از لغو اجرا می‌آید و حسین طاهری، مدیر مرکز هنرهای نمایشی تلفنی با گروه صحبت می‌کند و بعد از شور و مشورت‌هایی که گروه با هم دارند، اجرای نمایشنامه‌خوانی «ناگهان هذا حبیب‌الله...» لغو می‌شود. این سومین‌بار است که در دولت یازدهم اجرای نمایشی لغو می‌شود. پیش

تئاتر سنگلج را برای تئاتر ملی در نظر گرفته‌اندوشما

این روزها به‌عنوان مدیر

این تالار انتخاب شده‌اید. در حال حاضر

جایگاه این سالن را چطور ارزیابی می‌کنید؟

سنگلج یک دوره تعمیر داشت و برنامه‌های سال ۹۳ هم از طریق خانم مقتدی که الان مدیر تئاتر شهر است، بسته شده است. ما هم که سنگلج را تحویل گرفتیم تلاش داریم همان نگاه ملی را ادامه دهیم. سنگلج از سال ۴۴ که تأسیس شده به‌عنوان تماشاخانه ملی ایران نام گرفته است. ما تلاش داریم که طوری برنامه‌ریزی و حرکت کنیم که زیننده سنگلج باشد.

تئاتر ملی در ایران در چه جایگاهی قرار دارد؟

تئاتر ملی با تئاتر هویت را باید بررسی کنیم. تئاتر هنری است که از غرب وارد شده و هنر بومی ایران نیست، ولی این به مثابه این نبوده است که ما به‌عنوان یک تمدن، صاحب نمایش نبوده‌ایم. کشور ایران شیوه‌هایی از نمایش را داشته است، اما اگر به مفهوم قرن بیستمی نگاه کنیم، ما تئاتر نداشته‌ایم. البته آنچه از غرب رسیده و ترجمه شده و ما تقلید کرده‌ایم و فرهنگ ما هم وارد آن شده می‌تواند تئاتر ملی باشد که باید به لحاظ حوزه معنایی برخوردی نظری با آن داشت. اگر مصداقی حرف‌بزنم به «هرگ در پاییز» نوشته اکبر رادی اشاره می‌کنم، در این اثر تمام عناصر در حوزه دراماتیک معنا پیدا می‌کند. در ایران سخن دو گونه است؛ شعر یاثر. اما وقتی وارد حوزه غرب می‌شویم می‌گوییم سخن یا ایک یا لریک یا دراماتیک است. ما در ایران، سخن دراماتیک نداشته‌ایم. نویسندگان ما وجه دراماتیک را از غرب تقلید کرده‌اند. درست است که مثلاً رادی از آنتوان چخوف تقلید کرده یا میرزا فتحعلی آخوندف یا میرزا آقا تبریزی از ادبیات دراماتیک غرب تقلید کرده‌اند، ولی وقتی مسیر تکونی خودشان را طی کرده‌اند در این فرآیند آثارشان مال ما شده است. بنابراین دیگر نمی‌توانیم بگوییم «هرگ در پاییز» به مثابه یک اثر دراماتیک، ایرانی نیست. این اثر ایرانی است، چون تمام ویژگی‌های فرهنگ شمال ایران را در آن



یونس آیسالان قبل از معارفه

به‌آل‌الدین مرشدی | در روزهایی که داود رشیدی برای نجات تئاتر سنگلج به شهردار تهران نامه می‌نویسد، یونس آیسالان طی حکمی از سوی حسین طاهری به مدیریت این مجموعه قدیمی تئاتر کشور منصوب می‌شود. سالی که در یکی از بافت‌های قدیمی تهران قرار دارد و در سال‌هایی رونق زیادی داشته و بسیاری از بزرگان تئاتر ایران در این سالن اجرا کرده‌اند. از سال ۱۳۲۴ که سنگلج تأسیس شد تاکنون بنا را بر آن گذاشته تا تئاترهای با هویت ملی در آن اجرا شود. این سبک و سیاق در این سالن حفظ شده، اما همیشه فراز و فرودهایی داشته است. یونس آیسالان در سال‌های گذشته بخشی از تلاش حرفه‌ای‌اش را در راه ثبت فرهنگ ایرانی صرف کرده و این‌بار در مقام مدیر یکی از تالارهای قدیمی تهران قرار است نگاه به هویت ملی را تقویت کند. او که نمایشنامه‌هایی چون «از قهوه‌خانه تا بارگاه»، «هزار توی هزار»، «سایه سمیر»، «مهره مار»، «عشق آبی، آسمانی» و «سوته دلم، مته تو»... را نوشته و کارگردانی کرده در روز معارفه‌اش به‌عنوان رئیس جدید تالار سنگلج با فرهیختگان از برنامه‌ها و آسیب‌های تئاتر ملی می‌گوید.

می‌بینید. آنچه به‌عنوان تئاتر ملی در نظر مان است و روی آن تأکید می‌کنیم این است که این عناصر را براساس همان فرهنگ ملی خودمان به کار ببریم تا جایی که هم هویت دراماتیک داشته باشند و هم به سمت یک نوع او‌انگار دیسم برود که یک سمت و سوی پس‌دراماتیک داشته باشد. همین وضعیت هویتی ملی که شما عنوان می‌کنید را می‌توانیم در نمایشنامه‌نویسانی چون اکبر رادی و غلامحسین ساعدی یا بهرام بیضایی ببینیم. این مساله در نمایشنامه‌نویسان امروز ما چقدر تبلور داشته است و چقدر پتانسیل وجود دارد که بتوانید آن را در سنگلج به کار ببرید؟

من اعتقاد دارم که تئاتر ایران در حال حاضر نسبت به خیلی از کشورهای توسعه یافته جلوتر است. بچه‌های مادر جشنواره‌های جهانی شرکت می‌کنند و نوع استقبالی که از آنها می‌شود نشان می‌دهد که ما تئاتر خوبی

کافه تئاتر



بالاخره این زندگی مال کیه؟

کارگردان: اشکان خیل‌نژاد

بهای بلیت: ۲۵۰۰۰ تومان

نوید محمدزاده در نمایش «بالاخره این زندگی مال کیه؟» به کارگردانی اشکان خیل‌نژاد بازی می‌کند و بازی‌اش محل اختلاف تماشاگران شده است. او در این نمایش کمتر یسن حرکت را دارد و این است که بازی‌اش باعث شده تا کتجکاو‌ی‌ها را برانگیزد. نمایشی که در تماشاخانه ایران‌شهر و سالن استاد ناظرزاده‌کرمانی اجرا می‌شود و در کنار او آزاده صمدی، حمید رحیمی و شهاب‌الدین حسینی بازی می‌کنند. این اثر نوشته برابان کلارک است و افرادی را نشان می‌دهد که می‌خواهند وضعیت خودشان را تغییر دهند. می‌توانید به غیر از شنبه‌ها هر روز ساعت ۲۰ به تماشای این نمایش بنشینید.

نقطه داغ



جعفری جوزانی

فرهیختگان | از شنبه دهم آبان، ساخت یک استودیوی بزرگ فول‌دیجیتال مدرن در شهرک سینمایی غزالی آغاز می‌شود تا بعد از ساخت نخستین استودیوی دیجیتال ایران در پنج هزار متر، جعفری‌جوزانی ساخت سریال «پوری‌ای‌ولسی» را آغاز کند. جوزانی از این مساله به‌عنوان اتفاق بزرگی در صنعت فیلمسازی در ایران نام برده است که می‌تواند باعث پرواز تحلی‌ها شود و فیلم‌ها را از محدوده یک لوکیشن و اتاق‌های درسته بیرون بیاورد.



برد پیت

فرهیختگان | بازی درخشان برد پیت در فیلم خشم، جدیدترین ساخته دیوید آیر از صدرنشین گیشه سینماهای انگلیس و ایرلند کرد. «خشم» روایتگر داستان جوزانی یک تانک جنگی در آخرین روزهای جنگ جهانی دوم است که توانست در اولین هفته نمایش در سینماهای انگلیس ۲/۶۹ میلیون پوند فروش داشته باشد.



محمد سرافراز

فرهیختگان | آبان، ماه خداحافظی عزت‌الله ضرغامی از مسند ریاست صدا و سیماست و از ماه‌ها پیش گمانه‌زنی‌ها درباره گزینه احتمالی رئیس جدید آغاز شده است. در این میان پرسنل این سازمان مهم تمایل شدیدی به انتخاب شدن محمد سرافراز، معاون برون‌مرزی صدا و سیما دارند. شنیده‌های فرهیختگان حاکی از آن است که شانس سرافراز برای جایگزینی ضرغامی بسیار زیاد است و حتی برخی از سایت‌های خبری دیروز اقدام به انتشار قوی‌شدن این احتمال کرده‌اند.

بخش مهم هم مساله سخت‌افزاری است و مهم‌ترین مشکل ما نداشتن سالن است به نظر شما با اختصاص دادن یک سالن مثل سنگلج به نمایش‌های ملی می‌توانیم به آن ساماندهی برسیم؟

با این شرایط به آن ساماندهی نمی‌رسیم. سنگلج قرار است نماد باشد، ولی معنی‌اش این نیست که در سالن‌های دیگر نمایش ایرانی اجرا نشود. بنابست سنگلج نماد تئاتر ملی و حرفه‌ای ایرانی باشد. بدنه تئاتر حرفه‌ای ما به تئاتر دانشجویی برمی‌گردد، چون کسانی که کار می‌کنند یا استادان دانشگاه یا دانشجو هستند یا پژوهشگران هنرهای نمایشی‌اند.

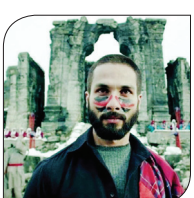
اما اینکه کسانی به صورت حرفه‌ای تئاتر کار کنند و فقط کارشان این باشد، نداریم. ساختار تئاتر حرفه‌ای مان سامان نگرفته است، اما ما بنا داریم که با ساماندهی گروه‌های نمایشی و شکل‌دهی به این مساله، سنگلج نمادی نوع تئاتر باشد. قرار است در جهت گسترش تئاتر سنگلج حرکت کنیم. قرار است ساختمانی خریداری و پلانوهای مهیا شود که آنها در کنار سالن اصلی کمک باشند به تئاتر بلکه باکسی یا پلاتویی که جدیداً در ایران هواخواه پیدا کرده است. در عرصه بین‌المللی هم تلاش داریم با تماشاخانه‌های حرفه‌ای کشورهای دیگر که نماد هویت ملی کشور خودشان باشند، مثل کنسر و اتوار تئاتر ملی مسکو ارتباط برقرار کنیم و خواهرخواندگی مجموعه تاتر سنگلج را با آن سالن‌ها داشته باشیم.

هنوز بعد از گذشت سال‌ها این سالن میان مخاطبان تئاتر جان‌نفته‌هاست. آیا سالن سنگلج به‌عنوان نصاد تئاتر ملی ایرانی تماشاگر لازم‌ر دارد؟

سنگلج مهجور مانده است، اما یکسری تماشاگران سستی از قدیم داشته که ساکنان حوالی سنگلج هستند، هر چند تعداد زیادی نیست. دوستانی که در عرصه فرهنگی فعالیت دارند به‌ویژه رسانه‌های مکتوب و تصویری و باید به ما کمک کنند. ما هم تلاش داریم زمینه‌ر افراهم کنیم که نمایش‌های حرفه‌ای یا آدم‌های نام و نشان‌دار در این سالن اجرا کنند تا تماشاگر به‌ویژه نسل جدید دانشگاهی را که تشنه‌این اتفاق است، جذب این سالن کنیم.

هملت هندی تهدید شد

خشم ملی‌گرایان هندو از «حیدر»



فرهیختگان: فیلم اقتباسی هندی‌ها از نمایشنامه هملت ویلیام شکسپیر با نام «حیدر» به کارگردانی ویشال باردواج هم‌زمان با آنکه در جشنواره فیلم رم برنده جایزه بخش «دنیای زانو» شد، خشم ملی‌گرایان هندو را برانگیخت. داستان حیدر در ابیات شکسپیر و در جریان بازی همدردی با تروویسته‌ها قلمداد کرده و تحریم آن را خواستار شده‌اند.

ملی‌گرایان در شبکه توئیتر با نوشتن جملاتی مانند «هر فیلمی که بخوادها با تروویسته‌ها همدردی کند، از آنها تحقیر کند، به ارتش هندوستان توهین کند و پاکسازی قومی را توجیه کند، باید به سطل زباله انداخته شود»، از مردم تقاضا کرده‌اند که فیلم را نبینند.